معتاد [ædikt] n. معتاد کردن

یک معتاد فردی است که نمی تواند انجام دهد یا چیزی را متوقف کند.

→ او معتاد قهوه بود. او هر روز بیش از سه فنجان داشت.

باستان شناسی

باستان شناسی [ˌɑːrkiəlɒdʒikəl] adj. باستان شناسی

هنگامی که چیزی باستان شناسی است، به باستان شناسی مربوط می شود.

→ آنها شواهد باستان شناسی را یافتند که یک گونه باستانی انسان را ثابت کرد.

باستان شناسی

باستان شناسی [ˌɑːrkiɒlədʒi] n. باستان شناسی

باستان شناسی مطالعه افراد باستانی از طریق مصنوعات خود است.

→ او باستان شناسی را مطالعه کرد تا بیشتر درباره فرهنگ مصر باستان کسب کند.

ایده پردازی

Brainstorm [Breinstɔːrm] v. Brainstorm

به Brainstorm این است که ایده های زیادی در مورد یک موضوع خاص داشته باشید.

→ دانش آموزان بعد از مدرسه ملاقات کردند تا ایده های خود را برای تخصیص خود ادامه دهند.

بودجه

بودجه [bʌdʒit] n. بودجه

بودجه مقدار پولی در دسترس برای صرف چیزی است.

→ بودجه او برای غذا بسیار تنگ بود.

بی نظم

هرج و مرج [Keiɒtik] adj. بی نظم

هنگامی که چیزی هرج و مرج است، آن را دیوانه، گیج، و فریبنده است.

→ اولین روز مدرسه می تواند برای یک دانش آموز جدید هرج و مرج باشد.

سعادت کردن

CITE [SAIT] v. CITE

برای اشاره به چیزی این است که آن را به عنوان یک مثال یا به عنوان اثبات چیزی ذکر کنید.

→ او به شش دلیل اشاره کرد که مدرسه نیاز به ساخت کلاس های جدید دارد.

مطابقت

مطابقت [ˌkɔ: rəspɒnd] v. مطابقت دارد

برای مطابقت، مطابقت یا شبیه به چیزی است.

→ داستان پسر با نسخه مادرش مطابقت نداشت.

حیاط

حیاط [kɔːrtjɑːrd] n. حیاط

یک حیاط یک منطقه فضای باز است که توسط دیوارهای یک ساختمان احاطه شده است.

→ در طول تابستان، حیاط یک مکان خوب برای ناهار است.

املاک

املاک [Isteit] n. املاک

املاک یک منطقه بزرگ از زمین متعلق به یک خانواده یا سازمان است.

→ او در اموال پدرش در کشور زندگی می کرد.

تقلب

تقلب [frɔːd] n. تقلب

تقلب جرم به دست آوردن پول با دروغ گفتن یا فریب دادن مردم است.

→ کارشناسان می گویند که تقلب کارت اعتباری در اطراف تعطیلات افزایش می یابد.

هیدروژن

هیدروژن [haidrədʒən] n. هیدروژن

هیدروژن یک گاز است که طعم، رنگ یا بوی ندارد.

→ بالن پر از هیدروژن می تواند به راحتی می تواند شناور شود اگر شما مراقب باشید.

تمامیت

یکپارچگی [Integəti] n. تمامیت

یکپارچگی صداقت و اخلاق خوب است.

→ مدیر کل یکپارچگی زیادی داشت.

بافتن

knit [nit] v. knit

به گره زدن این است که پارچه را با اتصال رشته ها ترکیب کنید.

→ مادربزرگ من یک ژاکت را به من زد.

چشم انداز

چشم انداز [autluk] n. چشم انداز

چشم انداز یک نظر شخصی یا شیوه ای برای تفکر در مورد چیزی است.

→ او چشم انداز خود را در مورد موش ها پس از خواندن کتاب در مورد آنها تغییر داد.

چتر نجات

چتر نجات [pærəʃuːt] n. چتر نجات

چتر نجات یک دستگاه است که به مردم کمک می کند و چیزها به طور ایمن به زمین می افتد.

→ آنها از چتر نجات استفاده می کردند از هواپیما به منظور ارسال منابع به غیر نظامیان.

پیش از تاریخ

پیش از تاریخ [Priːhistɔ: Rik] adj. پیش از تاریخ

هنگامی که چیزی پیش از تاریخ است، از زمانی است که هیچ تاریخ نوشته شده وجود ندارد.

دانشمندان گلدان های پیش از تاریخ را که توسط مردم در منطقه مورد استفاده قرار می گیرند، یافتند.

طرفدار

ProPonent [prəpounənt] n. طرفدار

طرفدار یک فرد است که از یک ایده یا طرح پشتیبانی می کند.

→ او طرفدار استفاده از محصولات سازگار با محیط زیست بود.

پالودن

اصلاح [Rifain] v. اصلاح

برای اصلاح چیزی این است که با تغییرات بهتر آن را بهتر کنید.

→ مدیر کل روش خود را برای کنترل دانش آموزان در طول سال ها تصفیه کرد.

محدود کردن

محدود کردن [Ristrikt] v. محدود کردن

محدود کردن محدود کردن چیزی و جلوگیری از افزایش آن است.

→ باشگاه مقدار اعضا را محدود کرد.

تاریخچه چتر نجات

دانشمندان که باستان شناسی را مطالعه می کنند می گویند ممکن است شواهدی از چتر های پیش از تاریخ وجود داشته باشد. اما اولین تاریخ نوشته شده از این دستگاه از چین حدود 2،100 سال پیش می آید. دانشمندان یک کتاب باستانی را که چتر نجات را توصیف می کنند، ذکر می کنند. با این حال، هیچ شواهد باستان شناسی وجود ندارد که ثابت می کند که چتر نجات واقعی تا به حال ساخته شده است. بعدها، مردم شمال آفریقا و ایتالیا نیز در مورد یک اختراع مشابهی ایده ای داشتند. در واقع، نقاشی لئوناردو داوینچی نزدیک به طراحی چتر نجات مدرن است!

در سال 1783، دانشمند فرانسه Sebastian Lenormand اولین چتر نجات مدرن را اختراع کرد. سباستین با دانشمندان دیگر متاهل شده است تا راهی برای کمک به مردم برای کمک به مردم با خیال راحت از ساختمان های سوزانده شود. او فکر کرد که راه حل این بود که مردم را به یک شیء برای محدود کردن سرعت خود در حالی که آنها به سمت زمین سفر کرده اند. بسیاری از مردم فکر کردند که او تا به نوعی تقلب، اما سباستین دارای یکپارچگی زیادی بود. بودجه او محدود بود، بنابراین او ابتدا تئوری خود را با استفاده از دو چتر آزمایش کرد. او از یک درخت پرید و متوجه شد که چتر ها کار می کنند.

بعد، او اختراع خود را تصفیه کرد. به جای استفاده از چتر، یک چتر نجات بزرگ را گره می دهد. در نهایت، او از یک ساختمان بلند در یک املاک فرانسوی پرید و در حیاط با خیال راحت فرود آمد.

کار سباستین یک مرد دیگر را به ارمغان آورد. ژان پیر بلانچارد چشم انداز دیگری از سباستین داشت. او معتاد بالون هوای گرم بود. او یکی از اولین افرادی بود که در یک بالون هوای گرم توسط گاز هیدروژن سوار شدند. او طرفدار استفاده از چتر نجات بود تا از بالن های هوای گرم خارج شود. از سال 1785 شروع به استفاده از سگ خود کرد تا نشان دهد که حیوانات می توانند با استفاده از چتر نجات با خیال راحت از بالن های هوای گرم فرود بیایند. سپس، در سال 1793، او با یک تجربه آشفته مواجه شد. بالون هوای گرم او در پشت سر گذاشت و شروع به سقوط کرد. او مجبور شد از خود چتر نجات استفاده کند. و خیلی به تسکین او، زندگی خود را نجات داد!